

فریبرز رئیس دانا می گوید: عامل اصلی و محرک برای کارفرمایان دولتی و خصوصی سود است و نه توسعه و رفاه اجتماعی | حداقل دستمزد نباید از ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان پایین تر بیاید.

رقابت ناگزیر بیکاران، دلیل عدم تحقق دستمزد حداقلی است؛



با نزدیک تر شدن به جلسات تعیین حداقل مزد سال آینده اقتصاددانان و فعالان کارگری بر لزوم ترمیم قدرت خرید کارگران تاکید دارند و می گویند افزایش دستمزد امسال باید پاسخگوی مشکلات ناشی از بحران اقتصادی برای خانواده های کارگری باشد. به گزارش اسپادانا خبر و به نقل از ایلنا، فریبرز رئیس دانا، اقتصاددان، معتقد است رقمی که برای سال ۹۷ برای حداقل دستمزد تعیین شده بود از چند جهت نادرست و ناعادلانه بود. وی تصریح کرد: در سال ۹۷ با در نظر گرفتن یک خانواده ۳.۵ نفره، خط فقر مطلق طبق محاسبات من ۳.۳۴ میلیون تومان بود که با احتساب ضریب دریافتی واقعی - اگر آن را ۱.۶ حداقل مزد بدانیم - حداقل مزد نباید کمتر از ۲.۱ میلیون تومان بود. لازم به ذکر است که این رقم ربوط به وقتی است که بحران اقتصادی سال ۹۷ آغاز نشده بود. این بحران اقتصادی مطابق محاسبات من موجب تورم ۳۰ تا ۴۰ درصدی شد و در نتیجه محاسبات ما، باید حداقل دستمزد به رقم ۲.۸ میلیون تومان برسد. یعنی اگر جلسه مزدی در میانه سال برگزار می شد باید مزد به این رقم می رسید؛ در نهایت برای اینکه افزایش دستمزد سال ۹۸ را نیز در نظر بگیریم به رقم ۳ میلیون و نیم برای اینکه کارگران را از خط فقر مطلق نجات دهیم، می رسیم. رئیس دانا خاطرنشان کرد: اگر هزینه مسکن را نیز در محاسبات بیاوریم، این رقم باید به حدود ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان برای خانواده ۳.۵ نفره می رسید اما با توجه به اینکه بیکاری گسترده در جامعه وجود دارد که به برآورد من نرخ ۱۹.۵ درصد و به برآورد آمار رسمی نرخ ۱۲ درصد است، واضح است که آن رقم تعیین شده حداقل نیز که پایه آن یک میلیون و ۱۱۱ هزار تومان بود، قابل حصول نبود. این اقتصاددان رقابت ناگزیر بیکاران را دلیل عدم تحقق دستمزد حداقلی دانسته و گفت: از آنجا که تشکل و سندیکا برای حمایت از همان حداقل ناعادلانه نیز وجود ندارد و کارفرماهای دولتی و خصوصی از اوضاع بهره برداری می کنند، حداقل مزد محقق نمی شود. به این دلیل که عامل اصلی و محرک برای همه آنها سود است؛ نه توسعه و رفاه اجتماعی. رئیس دانا با اشاره به اینکه با وجود بیکاری و نبود تشکل های مستقل کارگری و وجود تشکل های قدرتمند کارفرمایی و با گرایش دولت به نفع کارفرماها می گوید: طبق محاسبات من چیزی حدود ۷۰ درصد از کارگران و بیشتر - تعداد کل کارگران به ۱۴ میلیون نفر می رسد - زیر خط فقر مطلق (۳ میلیون و ۳۳۴ هزار تومان) هستند. به این ترتیب در سال جدید برای این مذاکرات شرایطی لازم است که بتواند زندگی طبقه کارگر را به علاوه وضعیت اقتصادی از این نابه سامانی نجات بدهد. وی افزود: تاکنون برای سال های متمادی حداقل دستمزد کمتر از نرخ تورم واقعی بالا رفته است. در عین حال محاسبه حداقل دستمزد به گونه ای بوده که بخش زیادی از کارگران را زیر خط فقر مطلق نگاه داشته است. در حال حاضر ۵۰ درصد از کارگران زیر خط فقر مطلق هستند. بنابراین باید پایه های محاسباتی تغییر کند. آمارهایی که دولت ها و مراکز آماری در زمان مذاکرات تحمیل می کنند، درست نیست. کارگران باید نمایندگان اقتصاددان، حقوقدان و جامعه شناس خود را داشته باشند که در مذاکرات وارد شوند. این اقتصاددان با اشاره به اینکه نمایندگانی که از قاطبه طبقه کارگر رای نیاورده اند، نباید در این مذاکرات شرکت کنند بیان کرد: پیش از هر چیز باید دلگرمی به حضور مستقل طبقه کارگر وجود داشته باشد که البته در شرایط فعلی خیالپردازانه است که فکر کنیم که این دلگرمی در فاصله چند هفته به وجود می آید. او ادامه داد: نیاز اصلی کارگران تشکل مستقل است که بتواند نمایندگان واقعی برای خود برگزینند تا پای میز مذاکره بروند. برای سال ۹۸ باید پایه حقوقی که حدود یک میلیون و ۱۱۱ هزار تومان است به بالای ۲ میلیون تومان برسد که اگر حق مسکن، اولاد و غیره هم به آن اضافه شود بتواند نزدیک به خط فقر مطلق را نشان بگیرد اما با وجود بیکاری و شرایطی که این بیکاری تحمیل می کند، این رقم ها هم در عمل تحقق پیدا نمی کند. رئیس دانا معتقد است که قراردادهای موقت، قراردادهای سفید امضا و بیکاری گسترده در طیف های مختلف باعث می شود، همین میزان از حداقل دستمزد محقق

نشود. او ادامه داد: تصویب قوانین برای اینکه کارفرماها مجازات شوند خوب است اما اگر تشکل کارگری وجود نداشته باشد، این قوانین روی کاغذ باقی می‌ماند. اگر تشکل کارگری وجود نداشته باشد، مثل هر سال نمایندگان کارگری در جلسات دستمزد شورای عالی کار نتیجه زیادی نخواهد گرفت و توانایی عملی برای توفیق بر سر میز مذاکره نخواهند داشت. در این صورت می‌توان بر اساس نجات این ۶۰ درصد کارگری که زیر خط فقر هستند، حداقل دستمزد را تعیین کرد. این اقتصاددان با بیان اینکه نحوه محاسبه حداقل دستمزد می‌تواند بر حسب خط فقر متفاوت باشد تصریح کرد: اگر واقعیت خط فقر را در نظر بگیریم یعنی یک سفره برای یک خانوار ۵ نفره پهن کنیم و نان و پنیر و اندکی گوشت و وسایل دیگر بر سر این سفره بگذاریم و بعد هزینه‌های بهداشت، درمان و حمل و نقل را آنگونه که متداول است با شرایط سنی متفاوت اعضای خانواده در نظر بگیریم و اگر این هزینه سرسام‌آور مسکن که چیزی حدود ۴۰ درصد هزینه خانوار را به‌طور متوسط تشکیل می‌دهد و برای برخی خانواده‌ها تا ۶۰ درصد نیز می‌رسد لحاظ کنیم، رقم خط فقر می‌تواند به ۴ میلیون و نیم و ۵ میلیون برسد. برای خانوار ۳.۵ نفره که مقیاس آمارگیری است، حدوداً ۳ و نیم میلیون می‌شود. وی افزود: محاسباتی هست که کمی عادلانه‌تر رقم ۳ و نیم میلیون برای خانوار ۳.۵ نفری را به ۵ میلیون تا ۶ میلیون می‌رساند. من می‌دانم که خودنمایی کردن و رقم‌های جعلی درآوردن برای اینکه برخی خود را دلسوز نشان دهند از خط دانش اقتصادی خارج است. تمام این ارقام با واقعیت‌ها سر و کار دارد و نمی‌گویم که حداقل دستمزد را به ۷ میلیون برسانید؛ برای اینکه برای من دست بزنند و بگویند که دلسوز تر و انقلابی‌تر است. برای اینکه کل توان اقتصادی را نیز در نظر می‌گیرم. رئیس دانا خاطرنشان کرد: برای یک خانوار ۳.۵ نفری (به شرط آنکه مراقبت جدی وجود داشته باشد که بیکاری زهر خود را نریزد و به خاطر اینکه فشارهای کارفرمایی و دولت این تصمیمات را ملغی نکند)، به گمان من باید شرایطی به وجود بیاید که حداقل دستمزد برای کارگران از ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان پایین‌تر نیاید و تعداد کارگران محروم زیر خط فقر بیش از این گسترش پیدا نکند. وی افزود: من نمی‌گویم در بحث بالا بردن حداقل دستمزد باید بی‌پروا سخن گفت و حرف‌های غیرعلمی زد و خودنماییانه رقم بدهیم اما باید این نکته را یادآور شد که بالا بردن حداقل دستمزد به این سادگی‌ها باعث تورم نمی‌شود. این افسانه‌هایی که رسانه‌های مختلف دو جناح در گوش مردم می‌خوانند، نشان دهنده انگیزه درونی آن گویندگان است که با تمام قامت در دفاع از سود و سرمایه و لایه‌های قدرتمند حاکم در اقتصاد که اقتصاد را به روز سیاه و فلاکت کشاندند، صحبت می‌کنند. این اقتصاددان گفت: من به عنوان فردی که در زمینه اقتصادسنجی کارهایی کرده‌ام و کارم اقتصاد کاردردی است از یک طرف و به عنوان یک اقتصاددان علاقمند به اقتصاد سیاسی و فعال در این زمینه از طرف دیگر می‌گویم که اگر حداقل دستمزد طوری تعیین شود که یک خانوار ۳.۵ نفری بتواند به ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان دست پیدا کند و بیمه‌های بیکاری گسترده شده و شامل همه بیکاران شود و تشکل‌های کارگری قدرتمند از این شرایط دفاع کنند، چنین وضعیتی موجب تورم و تورم افسار گسیخته نمی‌شود. وی با اشاره به اینکه نهایتاً چنین وضعی می‌تواند ۳ یا ۴ درصد به نرخ تورم اضافه کند گفت: سرکوب کردن منافع کارگران و به محرومیت کشاندن مردم، جواب عکس می‌دهد. اگر این فشارها بر کارگران وارد شود، موجب پایین نگه داشتن قوه خرید توده‌های مردم می‌شود. وقتی قوه خرید توده‌های مردم پایین می‌آید، نتیجه این می‌شود که بازار متزلزل می‌شود، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری داخلی از بین می‌رود و کالاهای بنجل خارجی که براساس شرایط متفاوت به قیمت‌های ارزان تولید شده و به دلایل سیاسی وارد بازار ایران می‌شود، به جامعه سرازیر می‌شود و در اقتصاد هم موجب می‌شود که توانایی تولید بازهم پایین‌تر بیاید و بیکاری و فقر گسترش پیدا کند. این مساله است که به زبان کارگران است؛ نه بالا بردن دستمزد. رئیس دانا در پایان خاطرنشان کرد: با به‌کار بردن ارقام خیالی مخالف هستم اما می‌گویم که اگر حداقل دستمزد تعیین شده در سال ۹۷ به بیش از دو برابر برای سال ۹۸ افزایش پیدا کند و حق مسکن و اولاد اعمال شود و تشکل‌های کارگری پا بگیرد، ممکن است موجب بالا رفتن نرخ تورم شود اما بسیار محدود است. درحالی‌که اثر مثبت آن در تولید و رونق‌زایی اقتصاد خیلی بالاتر است.

برچسب ها: [خط فقر](#) [1]

[حقوق و دستمزد](#) [2]

[تورم](#) [3]